



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

حق رهایی از شکنجه

نویسنده:

محمد عالم عزیزی*

زمستان ۱۳۹۵



مقدمه

رهایی از شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های غیرانسانی، در زمره حقوق غیرقابل سلب و تعلیق‌ناپذیر انسان‌ها به شمار می‌رود. اسناد بین‌المللی حقوق بشر، این حق را رسمیت بخشیده و بر رعایت بی‌قید و شرط آن تأکید کرده است. هم‌چنین، حق مزبور در قوانین داخلی بسیاری از کشورها تضمین و حمایت شده است که در این میان، قانون اساسی افغانستان نیز، با تأکید بر لزوم رعایت اسناد بین‌المللی حقوق بشر^۱ از جمله کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز و کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی، اعمال شکنجه و تعذیب افراد را منع قرار داده و به این ترتیب، حق‌رهایی از شکنجه را بدون هیچ محدودیتی تضمین کرده است.^۲

با وجود این، علی‌رغم آن که مصئونیت از شکنجه، به صورت مطلق و در همه حال منع قرار داده شده است؛ اما قدر مسلم این است که اقدام به شکنجه و بدرفتاری، هنوز به عنوان یکی از شیوه‌های معمول تحصیل اقرار و اطلاعات از افراد مظنون و متهم و یا تحویف و تهدید آن‌ها، به‌ویژه در کشورهای با نظام فاسد و ناکارآمد قضایی، به کار برده می‌شود.

نظارت‌خانه‌ها، توقیف‌خانه‌ها، زندان‌ها و سایر مراکز سلب آزادی، محلاتی‌اند که افراد محروم از آزادی، در معرض شکنجه و بدرفتاری مسئولان قرار می‌گیرند. به همین دلیل، آن‌گونه که اشاره شد، اکنون ما با مجموعه‌ای از اسناد الزام‌آور و اصول ناظر بر رفتار با زندانیان مواجه می‌باشیم. قوانین و اصول مزبور، برای حمایت از افراد محروم از آزادی در برابر هر نوع شکنجه و رفتاری که منجر به نقض حقوق و آزادی‌های انسانی آن‌ها شود، وضع شده و رعایت آن‌ها جزو وظایف اساسی دولت‌ها به حساب می‌آید.

تعریف شکنجه:

تعریف اصطلاحی و حقوقی شکنجه

اعلامیه حمایت از تمامی اشخاص در مقابل شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، شکنجه را در ماده ۱، بند ۱. به این صورت تعریف کرده است: «مقصود این اعلامیه از شکنجه عبارت است از هرگونه عملی که به موجب آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی به وسیله یا بر اثر تحریک مأمورین دولتی به منظور کسب اطلاعات یا اخذ اقرار یا به خاطر ارتکاب یک عمل یا به علت مظنون بودن فرد به ارتکاب آن عمل یا ترساندن او یا اشخاص دیگر، بر روی آن شخص یا شخص ثالثی اعمال گردد. شکنجه شامل درد یا رنجی که تنها ناشی از ذات مجازات یا نتیجه حاصل از مجازات قانونی است، تا حدی که مطابق با حد اقل اصول استناددار رفتار با زندانیان باشد نمی‌گردد.

بند ۲. شکنجه مشتمل بر یک شکل مشدد و عمدی از رفتار یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز است.»^۳

۱. دولت جمهوری اسلامی افغانستان، قانون اساسی، مصوب سال ۱۳۸۲، ماده ۷، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

۲. همان، ماده ۲۹.

۳. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه حمایت از تمامی افراد در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۷۵)، ماده ۱.

افزون بر این، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، که از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر در زمینه شکنجه می‌باشد، تعریف جامع و روشنی از شکنجه ارائه کرده است در ماده ۱ آمده است که: «هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه فردی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او یا شخص سوم اعمال می‌شود، شکنجه نام دارد. هم‌چنین مجازات فردی به عنوان عملی که او یا شخص سوم انجام داده و یا احتمال می‌رود که انجام دهد، با تهدید و اجبار و بر مبنای تبعیض از هر نوع و هنگامی که وارد شدن این درد و رنج، یا به تحریک و ترغیب و یا با رضایت و عدم مخالفت مأمور دولتی و یا هر صاحب مقام دیگر انجام گیرد، شکنجه تلقی می‌گردد».^۴

این تعریف نسبت به هر تعریف ارائه‌شده دیگر درباره شکنجه، ارجحیت و برتری دارد؛ زیرا اولاً تعریف مزبور در یک سند معتبر و الزام‌آور جهانی مطرح شده و دوماً عناصر و مؤلفه‌های اصلی شکنجه در این تعریف، به‌درستی تبیین شده است که در ذیل آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

عناصر و شرایط تحقق شکنجه:

کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و دیگر رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، عناصر شکنجه را به صورت ذیل مشخص کرده است:

عنصر مادی شکنجه

مراد از عنصر مادی جرم شکنجه، انجام یا ترک عمدی عملی است که آسیب یا زیان شدید ایجاد کند. انجام عمدی عمل مطابق با آنچه در ماده یک کنوانسیون منع شکنجه تصریح شده است، عبارت است از ارتکاب عملی که سبب ایجاد هرگونه درد یا رنج شدید جسمی و روحی به فرد گردد. مانند لگت و کوب، آزار و اذیت روحی و... ترک عمدی فعل، به این معنی است که مأمور دولت، از انجام وظایف و مسئولیت‌های خود به قصد شکنجه کردن دیگری خودداری کند.

«به عنوان نمونه هنگامی که متهم یا شخص زندانی نیاز به آب و غذا، یا لباس مناسب یا مراقبت پزشکی خاص دارد و مأموران زندان بر خلاف ضوابط از تأمین این نیازها خودداری می‌نمایند، یا هنگامی که زندانی نیازمند کسب اطلاع از وضعیت خانواده خود است، ولی مأموران زندان به علت وارد کردن آزار روحی به او اطلاعات ارسالی مانده نامه یا تلگراف یا غیره را رد اختیار او قرار نمی‌دهد، در تمامی وارد ترک فعل صورت گرفته ولی جرم شکنجه در صورت وجود سایر عناصر تحقق می‌یابد».^۵

عامل شکنجه

در تعریف کنوانسیون منع شکنجه تصریح شده است، عملی که به صورت مستقیم توسط مأمور رسمی دولت یا با تحریک و ترغیب او یا با رضایت و عدم مخالفت او صورت گیرد، شکنجه تلقی می‌شود. بنابراین، یکی از شرایط تحقق عمل شکنجه ارتکاب آن به صورت مستقیم و یا به صورت غیرمستقیم توسط مأمور رسمی دولت می‌باشد.

از این رو، «اعمالی که توسط افراد عادی نسبت به یک دیگر صورت می‌گیرد، بدون آن که عامل دولتی در ایجاد آن‌ها نقشی داشته باشد و فاقد قیودات مذکور باشد، آن‌ها را نمی‌توان مشمول تعریف شکنجه دانست».^۶

عنصر روانی و معنوی شکنجه

منظور از عنصر روانی و معنوی شکنجه این است که، شکنجه گر عمداً مرتکب عملی شود که سبب درد و عذاب شدید به فردی دیگر گردد. چنانچه در کنوانسیون منع شکنجه تصریح شده است که هر عمل عمدی که بر اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه شخصی صورت گیرد، شکنجه تلقی می‌گردد. بنابر این، «اعمالی که به‌طور غیرعمدی و از روی خطا یا اشتباه درد و رنجی ایجاد کند، شکنجه تلقی نمی‌شود، بلکه قصد و اراده مرتکب لازمه و شرط تحقق

۴. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۸۴)، ماده ۱، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

۵. محمد ابراهیمی، تبیین موضوعی ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، چاپ اول، انتشارات خرسندی، تهران، ۱۳۸۹، صفحه ۳۳.

۶. محمد ابراهیمی، همان، صفحه ۳۴.

عمل شکنجه می‌باشد. علاوه بر این، در حالتی که هدف از آوردن درد و رنج رعایت مصلحت خود شخص باشد، مثلاً در جایی که پای شخصی عفونت شدید کرده و به جهت جلوگیری از سرایت آن به سایر نقاط بدنش، قطع گردد، هدفش شکنجه فرد نیست»^۷.

هدف شکنجه

نکته دیگری که به عنوان یکی از شرایط مهم تحقق جرم شکنجه در کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه مطرح شده است، هدف و انگیزه شکنجه‌گر می‌باشد. مطابق با تعریف کنوانسیون مزبور، هرگاه شکنجه به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار یا با هدف تهدید و تنبیه کردن یا مبتنی بر تبعیض انجام شود، شکنجه تلقی می‌گردد.

شدید بودن درد و رنج

یکی دیگر از عناصر و شرایط تحقق جرم شکنجه، با توجه به آنچه در کنوانسیون مذکور بیان شده است، شدت درد و رنج ناشی از ارتکاب عمل شکنجه می‌باشد؛ یعنی مطابق با تعریف این کنوانسیون، عملی که بیشترین درد و رنج اعم از درد و رنج جسمی و روانی را به قربانی وارد کند، شکنجه محسوب می‌گردد.

انواع و مصادیق شکنجه:

شکنجه معمولاً یا به صورت جسمی و فیزیکی تبارز پیدا می‌کند یا به صورت روحی و روانی. نوع اول شکنجه، شامل آسیب و صدمات شدید فیزیکی به فرد قربانی یا اطرافیان و خانواده وی است و نوع دوم آن، شامل اقدامات و اعمالی است که آسیب و زیان روحی و روانی به فرد یا نزدیکان او ایجاد می‌کند. بنابراین، مصادیق شکنجه به دو نوع کلی زیر تقسیم می‌شود.

شکنجه جسمی و فیزیکی

یکی از رایج‌ترین و بارزترین شکل شکنجه، شکنجه فیزیکی و جسمی می‌باشد که در نتیجه آن صدمات شدید به فرد قربانی وارد می‌گردد. این صدمات ممکن است به صورت مستقیم به شخص قربانی وارد گردد یا به خانواده و اطرافیان آن. شوک برقی، لت و کوب، کندن مو، سیخ داغ کردن با چوب زدن و... از مصادیق بارز این نوع شکنجه می‌باشد.

شکنجه روحی و روانی

اگر درد و رنج ناشی از عمل شکنجه، به صورت مستقیم بر روان فرد قربانی و یا به شکل غیرمستقیم بر قربانی نه، بلکه بر روان خانواده و بستگان او ایجاد گردد، شکنجه روحی و روانی گفته می‌شود. شکنجه روحی و روانی از رایج‌ترین و پرکاربردترین شیوه شکنجه می‌باشد که مأمور رسمی دولت با انگیزه به دست آوردن اطلاعات، اقرار و اعتراف مرتکب آن می‌شود. بنابراین، آنچه شکنجه روانی را از سایر انواع شکنجه متمایز می‌سازد، صدماتی است که بر روان فرد تحت شکنجه یا اطرافیان او وارد می‌گردد. تهدید، اجبار، توهین و تحقیر، تجاوز جنسی، محرومیت از دسترسی به وکیل مدافع و خانواده، برعکس سوار کردن بر مرکب و سیاه کردن صورت قربانی در حالی که کلاه یا چوب در دهن دارد نمونه‌ها و مصادیق شکنجه روانی می‌باشد.

دادگاه اروپایی موضوعات زیر را جز مصادیق شکنجه تلقی کرده است:

«کاربرد الفاظ توهین آمیز، و قرار دادن قربانی در معرض فحاشی و توهین، تحمیل درد و رنج روحی از طریق به وجود آوردن موقعیت هراس و دلهره در قربانی، به شکلی غیر از حملات فیزیکی، تهدید به مرگ، تهدید به قطع اعضای بدن و نشان دادن آثار شکنجه در شکنجه شدن قربانیان دیگر»^۸.

افزون بر آنچه تاکنون در مورد مصادیق و انواع شکنجه توضیح داده شد، کمیته حقوق بشر که بر اساس کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی ایجاد شده است، موارد ذیل را به عنوان مصادیق شکنجه مطرح کرده است:

«لت و کوب، شوک الکتریکی، اعدام‌های ساختگی و جعلی، وارد کردن بطری و لوله تفنگ در مقعد فرد قربانی،

۷. محمد ابراهیمی، همان، صفحه ۳۶.

۸. محمد ابراهیمی، همان، صفحه ۴۸.

اجبار به ایستادن برای مدت طولانی در روزها و شب‌های متوالی در حالت دست‌بسته در حالی که تکه‌چوب در دهنش گذاشته شده است، قرار دادن فرد در حبس انفرادی به مدتی بیش از سه ماه در حالی که چشمان و دستانش بسته شده است، شکستن استخوان و سوراخ شدن پرده گوش، غرق مصنوعی، تهدید به قتل و تهدید به قطع عضو بدن، تهدید به اعدام»^۹.

ممنوعیت و جرم‌انگاری توسل به شکنجه:

شکنجه به عنوان یکی از بارزترین مصادیق نقض حقوق بشر، در تعداد زیادی از اسناد مهم بین‌المللی و نیز در قوانین نافذه کشور، بدون هیچ ابهامی ممنوع و جرم‌انگاری شده است. کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز مصوب سال ۱۹۸۴، کنوانسیون بین‌المللی حقوق طفل مصوب سال ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد و پروتکل الحاقی به کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، از مهم‌ترین اسناد الزام‌آور بین‌المللی است که بر ممنوعیت بی‌قید و شرط تمامی اشکال شکنجه تأکید کرده است.

علاوه بر این‌ها، در شماری دیگر از اسناد غیرالزام‌آور بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه حمایت از تمامی اشخاص در برابر شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز مصوب سال ۱۹۷۵ ممنوعیت شکنجه تصریح شده است که اینک در زیر بررسی می‌شود.

اسناد بین‌المللی حقوق بشر

ماده ۷ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در مورد ممنوعیت شکنجه این‌گونه صراحت دارد: «هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه و یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا ترضیلی قرار داد. مخصوصاً قرار دادن یک شخص تحت آزمایش‌های پزشکی یا عملی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است»^{۱۰}.

هم‌چنین کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز اعمال هر نوع شکنجه را به صورت مطلق منع قرار داده و نقض آن را تحت هیچ شرایط استثنایی مجاز ندانسته است. در ماده ۲ این کنوانسیون آمده است: «۱. هر دولت عضو این کنوانسیون موظف است تا اقدامات لازم و مؤثر قانونی، اجرایی، قضایی و دیگر امکانات را جهت ممانعت از اعمال شکنجه در قلمرو حکومت خود، به عمل آورد.

۲- هیچ وضعیت استثنایی کشوری، مانند جنگ و یا تهدید به جنگ، بی‌ثباتی سیاسی داخلی و یا هر گونه وضعیت اضطراری دیگر، مجوز و توجیه‌کننده اعمال شکنجه نمی‌باشد.

۳- دستور و حکم مقام مافوق (حکومتی) و یا مراجع دولتی، نمی‌تواند توجیه‌کننده عمل شکنجه باشد»^{۱۱}.

علاوه بر این، در بخش دیگری از کنوانسیون مزبور تأکید شده است که کشورهای عضو، باید شکنجه را در قوانین جزایی خود جرم‌انگاری نموده و برای مرتکب آن مجازات تعیین نماید.^{۱۲} اقدام به شکنجه، مشارکت یا همکاری در اعمال آن از نظر این کنوانسیون عین حکم را دارد و قابل مجازات دانسته می‌شود.

ممنوعیت شکنجه و رفتار غیرانسانی در کنوانسیون حقوق طفل که از دیگر اسناد الزام‌آور بین‌المللی می‌باشد نیز، بیان شده است. در بند ۱ ماده ۳۷ این کنوانسیون آمده است: «هیچ طفلی نباید مورد شکنجه، رفتار ستمگرانه و بازداشت

۹. محمد ابراهیمی، همان، صفحه ۵۰.

۱۰. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، ماده ۷، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

۱۱. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی یا تحقیرآمیز (۱۹۸۴)، ماده ۱، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

۱۲. همان، ماده ۴.

غیرقانونی قرار گیرد. مجازات اعدام و حبس ابد در مورد خلاف کاری‌های اطفال زیر ۱۸ ساله ممنوع است.^{۱۳} اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مصونیت از شکنجه و دیگر رفتارهای غیرانسانی را رسمیت بخشیده و در ماه ۵ آن این گونه تصریح شده است: «هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، ضد انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد.»^{۱۴}

هم‌چنین، اعلامیه حمایت از تمامی افراد در مقابل شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز اعمال شکنجه را نقض حق کرامت انسانی و تجاوز صریح به حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر توصیف کرده است در ماده ۲ این اعلامیه آمده است: «انجام هر عملی که تحت عنوان شکنجه و یا رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا توهین‌آمیز قرار گیرد اهانتی است به شأن انسان. چنین عملی محکوم است زیرا اهداف منشور سازمان ملل متحد را نفی کرده و تجاوز شدید و آشکاری است به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر.»^{۱۵}

به علاوه، ماده ۳ این اعلامیه بیان می‌دارد: «هیچ کشوری نباید شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و یا توهین‌آمیز را مجاز گردانده و یا مورد تساهل قرار دهد برای توجیه اعمال مذکور نمی‌توان به هیچ وضعیت استثنایی از جمله: وضعیت جنگی، خطر وقوع جنگ، بی‌ثباتی سیاسی در داخل کشور یا هر موقعیت اضطراری عمومی دیگر، استناد کرد.»^{۱۶}

هم‌چنین در پاراگراف ۱ ماده ۷ و در پاراگراف ۲ ماده ۸ اساس نامه دیوان بین‌المللی جزایی، شکنجه از مصادیق جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی محسوب شده است.^{۱۷}

قوانین داخلی

علاوه بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر که در مورد ممنوعیت شکنجه بررسی شد، قانون اساسی افغانستان نیز به تحریم بی‌قید و شرط شکنجه تصریح کرده است. ماده ۲۹ بیان می‌دارد: «تعذیب انسان ممنوع است.

هیچ شخص نمی‌تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.»^{۱۸}

هم‌چنین، ماده ۳۰ قانون اساسی افغانستان توسط به شکنجه را برای تحصیل اظهار، اقرار و شهادت از متهم یا شخص دیگری، ممنوع و غیرقانونی اعلام کرده است.^{۱۹}

قانون جزای کشور نیز، تعیین و اعمال مجازات مخالف کرامت انسانی را مجاز ندانسته و آن را به شدت منع کرده است.^{۲۰} هم‌چنین، قانون اجراءات جزایی بر مصونیت از توهین، تحقیر، تعذیب جسمی، روانی و هر گونه برخورد غیرانسانی افراد تأکید کرده است.^{۲۱}

به علاوه، ماده ۲۲ قانون اجراءات جزایی بیان می‌دارد: «۱- مامور ضبط قضایی، سارنوالی و محکمه در هیچ حالت اجازه ندارند، خود یا از طریق شخص دیگر با رفتار سوء، استعمال مواد مخدر، اکراه، شکنجه، خواب مقنطیسی، تهدید و تخویف یا وعده دادن به منفعتی، مظنون یا متهم را به اظهار یا اقرار وادار نمایند. ۲- اظهار یا اقراری که از مظنون یا متهم با استعمال وسایل مندرج فقره ۱ این ماده اخذ شده باشد، قابل استناد نمی‌باشد. در ماده ۲۷۵ قانون جزا آمده است:

۱۳. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی حقوق طفل (۱۹۸۹)، ماده ۳۷، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

۱۴. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، ماده ۵، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

۱۵. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه حمایت از تمامی اشخاص در مقابل شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و یا تحقیرآمیز، (۱۹۷۵)، ماده ۲، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

۱۶. همان، ماده ۳.

۱۷. دکتر محمدجواد شریعت باقری، اسناد دیوان کیفری بین‌المللی، چاپ چهارم، انتشارات جنگل، جاودانه، تهران، ۱۳۹۳، صفحات ۷ و ۱۱.

۱۸. دولت جمهوری اسلامی افغانستان، قانون اساسی، مصوب سال ۱۳۸۲، ماده ۲۹، نشر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

۱۹. همان، ماده ۳۰.

۲۰. وزارت عدلیه، قانون جزا، شماره مسلسل ۳۴۷، تاریخ نشر: ۱۳۵۵، ماده ۴.

۲۱. وزارت عدلیه، قانون اجراءات جزایی، شماره مسلسل ۱۱۳۲، تاریخ نشر: ۱۳۹۳، ماده ۷.

«هرگاه موظف خدمات عامه متهم را به منظور گرفتن اعتراف، شکنجه نماید و یا به آن امر نماید به حبس طویل محکوم می‌گردد.»^{۲۲}

در ماده ۴۱۴ قانون جزای افغانستان چنین تأکید شده است: «شخصی که در غیر از احوال موجه قانونی یا بدون امر مقامات صلاحیت دار شخص دیگری را گرفتار، توقیف یا از کار منع نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد. هرگاه گرفتاری، توقیف، و ممانعت به جبر و اکراه یا تهدید به قتل و یا تهدید به اذیت بدنی باشد یا اینکه مرتکب از جمله موظفین رسمی دولت باشد به حداکثر جزای پیشینی شده ماده ۴۱۵ این قانون یعنی ده سال حبس محکوم می‌گردد.»^{۲۳}

از بررسی اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قوانین نافذ افغانستان، این نتیجه بدست می‌آید که ممنوعیت توسل به شکنجه در همه حال و بدون هیچ محدودیتی تضمین شده و ارتکاب آن یک عمل مجرمانه قلمداد شده است. مطابق با اسناد متذکره، برای ارتکاب شکنجه به هیچ دلیلی و حتی به استثنایی ترین حالات از قبیل وضعیت جنگی، خطر وقوع جنگ، بی‌ثباتی سیاسی در داخل کشور نمی‌توان استناد کرد. بنابراین، ممنوعیت اعمال شکنجه هیچ قید و شرطی را بر نمی‌تابد و از حقوق غیرقابل سلب و غیرقابل انحراف انسان‌ها می‌باشد. با این وصف، دولت‌ها مکلفیت دارند که برای تطبیق قوانین مزبور و حصول اطمینان از رهایی و مصئونیت افراد از شکنجه، تدابیر و اقدامات اجرایی مؤثری را طرح و عملی نمایند.

معرفی کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۸۴ طی قطع‌نامه شماره ۳۹/۲۶ به تصویب مجموع سازمان ملل متحد رسید و به تاریخ ۲۶ جون ۱۹۸۷ مطابق با بند ۲ ماده ۲۷ لازم‌الاجرا شد.^{۲۴}

این کنوانسیون، در یک مقدمه و ۳۳ ماده تنظیم شده است که یکی از مهم‌ترین اسناد الزام‌آور و اختصاصی در ارتباط با ممنوعیت شکنجه می‌باشد. کنوانسیون متذکره، بر مبنای اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد، ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۷ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه حمایت از تمامی اشخاص در برابر شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز و با هدف توسعه ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های غیرانسانی در جهان، به تصویب رسیده است.

از ویژگی‌های مهم کنوانسیون متذکره، به عنوان یکی از اسناد معتبر بین‌المللی حقوق بشر، این است که رعایت مفاد و مقررات مندرج در آن، توسط دولت‌های عضو الزامی می‌باشد و تخلف از آن، عواقب و پیامدهای حقوقی را به دنبال دارد. بنابراین، دولت‌های عضو این کنوانسیون، وظیفه دارند که برنامه‌ها و اقدامات مؤثری را برای تطبیق مقررات کنوانسیون منع شکنجه عملی و از اجراات خود در این زمینه، به کمیته منع شکنجه گزارش دهند.

۲۲. همان، ماده ۲۲.

۲۳. همان، ماده ۴۱۴.

۲۴. همان منبع، همان صفحه.